

هویت مهاجران؛ تأملی در هویت نسل دوم ایرانیان مهاجر^۱

* عاصفه توکلی خمینی

E-mail: tavakoli.as@gmail.com

** جعفر عبدالملکی

E-mail: maleki52j@gmail.com

*** محمد مهدی منصف پور

E-mail: Aeen777@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۴

چکیده

تأثیر مهاجرت‌های بین‌المللی را می‌توان در بعد کلان آن با تغییراتی در سطوح اقتصادی و سیاسی جوامع و در بعد خرد، با چگونگی انطباق مهاجران و ویژگی‌های هویتی آنها بررسی کرد. در بررسی تأثیر مهاجرت بر هویت افراد، ویژگی‌های هویتی مهاجران نسل دوم در مقایسه با نسل اول از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار است. درحالی‌که نسل اول مهاجران در ایران به دنیا آمده و رشد کرده‌اند و خود را ایرانی می‌دانند، نسل دوم یا در کشور میزبان متولد شده‌اند یا در اوایل دوران کودکی به آن کشور رفته‌اند و در فضای بینابینی فرهنگی جامعه مبدأ و جامعه میزبان اجتماعی شده‌اند؛ به همین دلیل نسل دوم مهاجران الگوی تطبیقی و هویتی متفاوتی خواهند داشت.

در پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و مصاحبه با متخصصان این حوزه در خارج از کشور، ابعاد گوناگون هویت نسل دوم مهاجران بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد، مهاجران نسل دوم در دوران کودکی به ابعاد هویت‌بخش جامعه میزبان تعهد بیشتری دارند و از آنجا که در بررسی ارزیابی فایده، هویت ایرانی با تأیید اجتماعی همراه نیست، مهاجران نسل دوم عموماً مطابق با انتظارات افراد جامعه میزبان رفتار می‌کنند؛ اما همین افراد در دوران نوجوانی و جوانی، تعلق عاطفی بیشتری نسبت به ایران پیدا می‌کنند و با نگاهی بازاندیشانه می‌کوشند عناصر فرهنگی جامعه میزبان را با فرهنگ ایرانی ترکیب کنند.

کلیدواژه‌ها: هویت، نسل دوم مهاجران، جامعه میزبان، ایران.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی است با عنوان «بررسی هویت نسل دوم ایرانیان مهاجر خارج از کشور» (با تأکید

بر کارکردهای شبکه جام جم) که در مرکز تحقیقات صدا و سیما در سال ۱۳۸۹ انجام گرفته است.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما، نویسنده مسئول

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما

*** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما

مقدمه

موضوع هویت مهاجران و تعلق به عناصر هویتی جامعه میزبان یا جامعه مادر، یکی از مباحث جامعه‌شناختی دوران معاصر است. در رویکرد جامعه‌شناختی، مهاجرت تنها تغییر فضای جغرافیایی نیست، بلکه قرار گرفتن در فضای بینابینی فرهنگ‌های مختلف است که به فرد امکان می‌دهد در میان عناصر هویت‌ساز جوامع مقصد و مبدأ قرار گیرد؛ عناصری که گاه مشابه و گاه با یکدیگر در تضادند و از این رو، جابه‌جایی در «خود» و هویت افراد در فرایند مهاجرت پدیدار می‌شود.

در این فرایند، هویت نسل اول مهاجران که در ایران به دنیا آمده‌اند و دوران فرهنگ‌پذیری خود را در کشور مبدأ گذرانده‌اند، به شدت متفاوت از هویت «نسل دوم مهاجران» است. مهاجران نسل اول خود را کاملاً ایرانی می‌دانند زیرا در ایران به دنیا آمده‌اند و به فرهنگ ایران وابسته هستند، آنان مدت زمان زیادی در ایران بوده‌اند، بسیاری از روابط اجتماعی اولیه و نزدیک آنها هنوز در ایران است و نوستالژی بازگشت به ایران دارند (مهدی، ۱۹۹۸: ۷۷). در مقابل مهاجران نسل دوم، در فضایی متکثر و بینابینی، در جامعه میزبان متولد می‌شوند. عده‌ای از آنان یا هرگز ایران را ندیده‌اند یا تصور بسیار مبهمی از ایران دارند، تعداد افراد ایرانی‌ای که می‌شناسند ممکن است بسیار محدود باشد و روابط اجتماعی آنان از آغاز در جامعه مقصد شکل می‌گیرد. در عین حال که فرهنگ ایرانی خانواده آنان را متأثر می‌کند، این گروه از مهاجران با عناصر فرهنگی جامعه میزبان اجتماعی می‌شوند چنان‌که می‌توان گفت مهاجران نسل دوم، همزمان زیستن در دو فضای فرهنگی جامعه ادری (مبدأ) و جامعه میزبان تجربه می‌کنند.

در این شرایط نسل دوم مهاجران این امکان را می‌یابند که یا با کنش تک‌ساحتی در جامعه میزبان، به تکوین «خود» بپردازند یا با استفاده از منابع شناختی - معرفتی فرا رو و تجربه حیطه‌های متمایز فرهنگی، و هویتی چندوجهی کسب کنند، هویتی که هم ابعاد هویت ایرانی، و هم ابعاد هویت جامعه مقصد را با خود به همراه دارد.

در این دیدگاه، هویت اجتماعی مهاجران نسل دوم، امری از پیش تعیین شده و مقدم بر تجربه نیست بلکه هویت مهاجران در نتیجه تأثیر و تأثرها و عملکرد متقابل یک رشته عوامل اجتماعی بر ساخته می‌شود. به عبارت دیگر، هویت مهاجران برساخته اجتماعی است که در آن قرار دارند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۶) اما در کنش‌های روزمره، ایجاد و خلق می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۵-۱۱۹).

1. Second Generation Immigrants

هم‌چنین شکل‌گیری هویت در بستر اجتماعی، ایده سیال بودن هویت مهاجران را پدید می‌آورد (برمن، ۱۳۸۲: ۱۹) به این صورت که مهاجران می‌توانند در زمان‌های متفاوت، هویت‌های مختلف داشته باشند. علاوه بر این، هویت‌یابی اجتماعی نسل دوم مهاجران، بر پایه اقلیت بودن در جامعه میزبان شکل می‌گیرد و هویت‌یابی اجتماعی اقلیت‌ها، خود الگوهایی متفاوت دارد. فرد مهاجر که اکنون به‌عنوان اقلیت در جامعه تلقی می‌شود، در محیطی غیر از جامعه مادری بزرگ می‌شود و از این رو تعلق عاطفی او به جامعه مبدأ یا تعلق به مقصد و همانندسازی او با جامعه میزبان در هویت‌یابی وی بسیار اهمیت می‌یابد (هوارد، ۲۰۰۰: ۳۷۴). این گروه از مهاجران با تعلق به عناصر جامعه میزبان یا مادر، تمایز میان «خود» و «دیگری» را شکل می‌بخشند. این تمایز، به مهاجران امکان می‌دهد خود را به گروهی مشابه دانسته و ارجاع دهند. هم‌چنین امکان متفاوت بودن مهاجر را با سایر افراد فراهم می‌کند و بسته به اینکه مهاجر نسل دوم خود را به کدام گروه متعلق بدانند، مرزبندی‌های معینی را پدید می‌آورد و در نتیجه هویت ویژه‌ای برای نسل دوم خلق می‌شود. در این میان، تعلق به مکان (جغرافیای ایران)، تعلق به زمان (تاریخ و وقایع تاریخی)، تعلقات فرهنگی و زبان فارسی، از جمله ابعادی هستند که در برساختن هویت نسل دوم مهاجران اهمیت دارند. تعلق به هر یک از مؤلفه‌های مرزهای جغرافیایی، هم‌تاریخ‌پنداری، انتخاب رفتارهای فرهنگی و زبان از این رو اهمیت دارد که ابزار تمایز از گروه‌های دیگر یا وحدت با یک گروه است و به همین دلیل می‌تواند در ساخت هویت نسل دوم مهاجران نقش مهمی ایفا کند.

تحقیقات تجربی تاکنون وجود هویت دوگانه در میان نسل دوم مهاجران را تأیید کرده‌اند (قاسمی سیانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰) شواهدی همچون حفظ عناصر فرهنگی ایرانی و در عین حال عدم تطبیق کامل با جامعه میزبان (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۸)؛ نگرش مثبت به هویت ایرانی، در عین شباهت به محیط میزبان (شارع‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱۲)؛ تمایل کمتر به بازگشت به ایران در مقایسه با نسل اول (مهدی، ۱۹۹۸: ۸۴)، تعلق به نسلی متفاوت (ادیبی، ۲۰۰۳: ۵؛ به نقل از مهدی، ۱۹۹۸: ۷۷) و... نشان دهنده این واقعیت می‌باشند که شکل‌گیری و تداوم هویت در نسل اول و دوم مهاجران با یکدیگر تفاوت دارد و عناصر فرهنگی بینابینی برای نسل دوم مهاجران، هویت پیچیده‌ای را برای این افراد ایجاد می‌کند.

علی‌رغم اینکه در پژوهش‌های گذشته، بخشی از مطالعات، به بررسی نسل دوم مهاجران ایرانی پرداخته‌اند، تاکنون شناخت ابعاد هویت مهاجران نسل دوم (با توجه به تعلق به جامعه میزبان یا ایران) مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین شناخت هویت

نسل دوم مهاجران به پرسشی درخور توجه، با اهمیت و قابل پیگیری نظری و عملی تبدیل می‌شود که تحقیقات همه جانبه‌ای را می‌طلبد.

بررسی هویت این نسل ضمن نشان دادن برهم کنش ساختار جامعه میزبان و نسل دوم، منعکس‌کننده تعلقات و ابعاد هویتی آنان در فرایند مهاجرت و تغییر هویت آنان در دوره‌های سنی گوناگون می‌باشد.

چارچوب نظری

از منظر جامعه‌شناختی معمولاً شکل‌گیری اجتماعی هویت، با ساخت و بازتابندگی شخصی در ارتباط بوده و چگونگی هویت بر حسب عضویت‌ها و تعلقات گروهی بررسی می‌شود.

هویت از نظر گیدنز عبارت است از خود شخص، آن‌گونه که خودش تعریف می‌کند. به نظر او، هویت انسان در کنش با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی، پیوسته تغییر می‌کند. هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و تغییر است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۷-۱۸).

هم‌چنین نظریه پردازان کنش متقابل نمادین نظریاتی را مطرح کرده و توسعه داده‌اند که بنیان نظری پژوهش را تبیین می‌کند. ویژگی مشترک این دیدگاه، اهمیتی است که برای محیط اجتماعی در شکل‌گیری «خود» فائل هستند (دوران، ۱۳۸۶: ۹۱)؛ به طوری که از نظر جرج هربرت مید، «خود»، معادل هویت بوده و دارای دو بعد فاعلی^۱ و مفعولی^۲ است. بعد مفعولی آن وجه از هویت است که درگیر جهان اجتماعی بوده و ماهیت بازتابی دارد. وی «خود» را محصول اجتماع می‌داند که از خلال اخذ دیدگاه‌های دیگری شکل می‌گیرد. نظریه پرداز اصلی دیگر این حوزه کولی است. وی به وجود «خود» گروهی معترف است، هویت را چندگانه دانسته و بیان می‌دارد هویت یا همان جنبه اجتماعی خود، در اثر تجربه اجتماعی، جدل تاریخی و به صورت تدریجی، مستمر و فرایندی شکل می‌گیرد (کوزر، ۱۳۶۷: ۴۶۵).

بلومر یکی دیگر از نظریه پردازان این مکتب، تأثیر عوامل اجتماعی را با مفهوم اقدام مشترک^۳ یا کنش به هم پیوسته، مفهوم‌سازی کرد که مهم‌ترین عنصر آن فرهنگ است. وی بر تأثیر فرهنگ و موقعیت در تکوین خود تأکید فراوان داشت (صدیق، ۱۳۸۷: ۳۴).

1. I

2. Me

3. Joint action

به نظر او، افراد بر حسب موقعیت‌های مختلف، پنداشت‌ها یا تغییرهایی به دست می‌آورند و فرد، به واسطه روابطی که با دیگران دارد و در ارتباط با نظام اجتماعی که در آن قرار گرفته خود را توصیف می‌کند یا هویت خویش را ابراز می‌دارد.

از نظریه پردازان بعدی مکتب یاد شده، شلدون استرایکر است. وی بر اساس مفهوم هویت، دیالکتیک میان ساختارها را با نقش مطرح ساخته و الگوی کنش متقابل نمادین خود را در قالب قضایایی جمع‌بندی کرده است. او معتقد است، کنشگران، در یک ساخت اجتماعی به استناد انتظارات مربوط با یکدیگر رفتار می‌کنند. وی «خود» را مجموعه‌ای از هویت‌های مجزا تعریف می‌کند که تعهد به همه آنها یکسان نیست، «خود» مشتمل بر هویت‌های چندگانه و متمایز است که به طور طبیعی به برجستگی بعضی هویت‌ها منجر می‌شود و سلسله مراتبی از رجحان‌ها شکل می‌گیرد (دوران، ۱۳۸۶: ۹۵).

در کنار دیدگاه کنش متقابل نمادین، نظریه‌های شناخت اجتماعی، از جمله نظریات روان‌شناسی اجتماعی هستند که در حوزه هویت، بحث‌های قابل توجهی ارائه کرده‌اند. این دیدگاه، با عنوان «خود مقوله‌بندی»^۱ از سوی تاجفل و ترنر مطرح شده است. آنان عضویت در گروه اجتماعی مشخصی را به عنوان تعریف «خود» پذیرفتند. به این معنا که در هویت اجتماعی، تعریف شخص از «خود»، بر اساس برخی از عضویت‌های گروهی اجتماعی و با ملاحظات ارزشی و احساسی مقارن است (برای مثال، تعریف خود به عنوان ما ایرانی‌ها). بنابراین، هویت اجتماعی به عنوان آگاهی فرد از تعلق به یک گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد، مفهوم‌سازی شده است. در نتیجه، بنابر تعلق افراد به گروه‌های متفاوت است که آنان به هویت اجتماعی معرف وضعیت خاصشان در جامعه، دست می‌یابند (دوران، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

در همین راستا تاجفل، سه بُعد را برای هویت اجتماعی بیان نموده است: آگاهی، عاطفه و آمادگی برای عمل. آگاهی از مشترکات گروه، هم‌فکری، هم‌بختی و هم‌پیشینگی را به هر گروه اجتماعی اعطا می‌کند و برای حفظ «ما» ضرورت دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸). دومین بُعد هویت اجتماعی، علاقه، همدلی یا احساس تعلق مشترک است که خمیر مایه اصلی «ما» و فقدان حداقلی آن به معنی اضمحلال «ما» محسوب می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰). سومین بُعد هویت اجتماعی آمادگی برای عمل در یک زمینه رقابتی بین گروهی (طبیعتاً به نفع درون گروه) است که نیازمند احساس تعهد می‌باشد. منشأ این تعهد، چیزی نیست مگر علاقه، وابستگی و دلبستگی عاطفی به درون گروه.

1. Self-categorization

در کنار دیدگاه‌های فوق، نظریاتی مطرح می‌شوند که هویت را با توجه به ویژگی‌های دنیای مدرن تبیین می‌کنند. مطابق این دیدگاه‌ها همان‌گونه که سرعت و دامنه پیچیدگی جوامع مدرن افزایش می‌یابد و هر لحظه بر شتاب و شدت آن افزوده می‌شود، هویت نیز هر چه بیشتر و بیشتر، ناپایدارتر و شکننده‌تر می‌شود. در این زمینه، مارشال برمن بر این باور است که مدرنیته، خصوصیتی سیال و باز دارد و هیچ‌گاه به ثبات و ایستایی اکتفا نمی‌کند. از این رو نمی‌توان از هویت انسانی ثابت سخن گفت بلکه افراد در بطن نظام اقتصادی - اجتماعی که پیوسته تجدید می‌شود، زندگی می‌کنند (برمن، ۱۳۸۲: ۱۹). به تعبیر استوارت هال، سوژه پسامدرن، هیچ‌گاه ماهیت ثابت بنیادی یا ماندگاری برای انسان قائل نمی‌شود؛ بلکه او را در زمان‌های متفاوت، دارای هویت‌های مختلف می‌داند. به نظر گیدنز نیز هویت مانند پروژه زندگی است که پیوسته و به طور مداوم در حال تغییر است. در مجموع می‌توان گفت براساس نظر این گروه که بر سیال و غیرشفاف بودن هویت‌ها تأکید دارند، هویت ناب، اصیل، خالص و محدود وجود ندارد (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۶).

هم‌چنین به دلیل پویایی جوامع امروزی، حق انتخاب و تنوع انتخاب افراد بیشتر شده است و تنوع مراجع در ساخت هویت شخصی افراد مؤثر و مشهود است. هویت، در قلمرویی باز و گسترده قرار می‌گیرد و «خود»، ملک انحصاری هیچ جریان خاصی نیست (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۴۳). گیدنز در توضیح مفاهیم فوق، از مفهوم «هویت بازاندیشی» و «انتخابگر» استفاده می‌کند. به نظر او، بازاندیشی ویژگی هرگونه کنش انسانی است و بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن، در برگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی، پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات دوباره خود آنها اصلاح می‌شوند و به این ترتیب خصلتشان را به گونه‌ای اساسی دگرگون می‌سازند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۷). به نظر وی هویت شخصی را نمی‌توان بر حسب ماندگاری در زمان مورد توجه قرار داد بلکه هویت همواره در معرض آگاهی بازتابی است. در این دیدگاه هویت چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های خود مورد حمایت قرار دهد. هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌اش می‌پذیرد. هویت یعنی تداوم فرد در زمان و بازتاب تعبیری که شخص از این تداوم دارد. به نظر وی فرد در دوران مدرن به پالایش و انتخاب انواع اطلاعات مرتبط می‌پردازد که این نوع منش، با رفتار از پیش تعیین شده افراد کاملاً متفاوت است. چنین تصویری در نظر گیدنز، به «مدل چینه‌ای» معروف است.

وی هم‌چنین اصطلاح دیگری را با عنوان «نظام امنیت هستی‌شناسی» مطرح می‌کند، به این معنی که نیروی اساسی اغلب کنش‌ها در جامعه جدید، مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است. به نظر وی، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکت کنش، نیاز نیل به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) به منظور کاهش میزان اضطراب خود در روابط اجتماعی است. به نظر گیدنز نظام امنیت هستی‌شناسی باید در زمان استمرار پیدا کند و عوامل استمرار آن عبارتند از: عادی شدن تماس‌ها با دیگران، تفسیر موفقیت‌آمیز از کنش‌ها و توانایی عقلانی کردن امور. به این معنا که افراد اعمال خود را نزد دیگران موجه جلوه می‌دهند و با تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش خود، تعداد کنش‌های موفق و انگیزه فرد برای کنش‌های بعدی بر هویت اجتماعی فرد شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹۰-۵۹).

مطابق با دیدگاه‌های نظری فوق، هویت شخصی که بر پایه انتخاب، تجربه و بازاندیشی هر فرد تجسم می‌یابد، بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، قابل تصور نیست. برای درک هویت به عنوان امری شخصی که طی زمان فرد آن را انتخاب و خلق می‌کند و نیز به عنوان امری برساخته موقعیت‌های اجتماعی که طی فرایند اجتماعی شدن، ساخته و تعیین می‌شود، هویت از منظر فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین نظریات فوق، چگونگی شکل‌گیری هویت فرد را در دوران معاصر نشان می‌دهند. هم‌چنین مفهوم «ذهنیت نسلی» از دیدگاه بلس، تبیین‌کننده مفهوم «نسل» در پژوهش حاضر است. ذهنیت نسلی، ایده تفاوت هویت نسل اول و دوم مهاجران را نشان می‌دهد و به این معنا است که تفاوت نسلی، زمانی به وجود می‌آید که ذهنیت نسلی معین شکل گرفته باشد. این ذهنیت باید متفاوت از ذهنیت نسل گذشته و پیشین باشد و در آن گرایش‌ها، ذائقه‌های اجتماعی و هنری، مرجع‌یابی‌ها، ابژه‌ها و آرمان‌ها با نسل پیشین تفاوت داشته باشد. به نظر وی، هر نسل با ترجیح دادن منابع معرفتی، اجتماعی و ابژه‌هایی که متعلق به اوست، خود را متعلق به شرایط و فضای فرهنگی و اجتماعی خاصی می‌داند که متفاوت از دیگری است و این تعلق در نهایت، شرایط ایجاد احساس هویتی را برای نسل خاص فراهم می‌کند (شفرز، ۱۳۸۸: ۶).

به این ترتیب، الگوی اصلی شکل‌گیری هویت نسل دوم مهاجران، در دیالکتیک میان فرد و جامعه پدیدار می‌شود؛ چنان‌که منابع فرهنگی و اجتماعی پیش روی نسل دوم مهاجران، ذهنیت نسلی متفاوتی را برای این گروه فراهم می‌کند و افراد می‌توانند با عضویت و تعلق گروهی و هم‌چنین رفتار مطابق با انتظارات، پاداش و تنبیه دیگران،

به انتخاب ابعاد هویت پردازند و هویتی را خلق کنند که ویژگی‌های سیال بودن، تداوم و انتخاب را پذیراست.

علاوه بر منابع نظری فوق، هویت ایرانی و نسبت آن با مدرنیته و غرب، همواره مسأله‌ای تأمل‌برانگیز برای بسیاری از روشنفکران ایرانی بوده است. آل احمد، شریعتی و نصر علی‌رغم تفاوت در دیدگاه، هر یک نظریاتی را در خصوص هویت بومی در مقابل غرب به تصویر کشیده‌اند.

به نظر آل احمد، غرب تنها سازنده ماشین و ابزار نیست بلکه ابزار غربی اقتضائاتی را در پی خواهد داشت و آن تغییر در شیوه تفکر است. وی بر احساس حقارت و از دست دادن هویت فرهنگی و بومی در برابر غرب افسوس می‌خورد. علاوه بر این، غرب‌زدگی، نقد روشنفکران غرب‌زده و انسان منفعل از دیگر نظریات وی می‌باشد. به نظر وی انسان منفعل، انسانی است بدون تأمل، بازاندیشی و انتخاب، که باد او را به هر سو می‌برد. نخستین انگیزه انسان غرب‌زده ماندن به هر بها و کسب منفعتی فوری است. انسان غرب‌زده هیچ آرمانی ندارد. غرب‌زده است اما غربی نیست و هر چند ارزش‌های دو جهان را درک می‌کند، اما این ارزش‌ها نه عامل خلاق‌کننده بلکه عاملی است برای خنثی کردن فرد (آل احمد، ۱۳۴۱: ۱۴۲-۱۳۵)، در اساس کوشش آل احمد بازدارندگی از انفعال و عدم سرسپردگی به غرب و تمایل برای ایجاد هویت بومی است. شریعتی نیز در کتاب بازگشت به خویشتن با طرح سؤال من کیستم؟ هویت فرد را دستخوش تغییراتی می‌داند و معتقد است «خود» که در برابر «غیر» قرار گرفته، به‌عنوان یک پروژه غیر متصلب باید به جستجوگری و تکمیل خود پردازد. نصر نیز در دیدگاه‌های خود، غرب را وسوسه‌انگیز و تهدیدکننده می‌داند. وی استراتژی چهار وجهی را برای حفظ هویت بومی بیان می‌کند که عبارتند از: ۱. احیای سنت‌های اصیل فکری ایرانی، ۲. توانا ساختن ایرانیان به دید انتقادی به غرب، ۳. آگاه ساختن ایرانیان از فرهنگ و تمدن‌ها آسیایی به‌عنوان وزنه متعادل‌کننده غرب، ۴. کوشش در ایجاد راهی که از طریق آن حفظ اصالت فرهنگی ایرانیان در برابر فرهنگ غرب امکان‌پذیر شود (نصر، ۱۳۶۱: ۴۷-۴۷). به نقل از قادری، ۱۳۸۸: ۲۳). نظریات فوق هر یک در ترسیم چگونگی مواجهه متفکران ایرانی با غرب و تمایل به هویت بومی، نکاتی را برجسته ساخته‌اند. انتخاب و عدم سرسپردگی در دیدگاه آل احمد، تکمیل و تداوم خود در دیدگاه شریعتی و حفظ اصالت و تعلق فرهنگی در برابر غرب در دیدگاه نصر ابعادی از نظریات این متفکران هستند که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش کیفی و ابزار مصاحبه با متخصصان برای شناخت هویت نسل دوم مهاجران استفاده شده است. این روش از این جهت که به کشف و درک نگرش‌های نسل دوم از درون می‌پردازد و تجربیات آنان را تا حد ممکن به طور مستقیم بررسی می‌کند، مناسب‌ترین روش برای اجرای پژوهش حاضر است.

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر، اندیشه، نگرش، رفتار و هویت افرادی بررسی شده است که در فضای فرهنگی - فکری دیگری غیر از ایران زیسته و قواعد رفتاری متفاوتی را تجربه کرده‌اند، پیش‌فرض‌های متخصصانی که در ایران زندگی می‌کنند، نمی‌تواند اندیشه و جهان‌بینی ذهنی نسل دوم را بازگوید. از این رو پانزده نفر از متخصصان ایرانی که دارای سوابق مرتبط با حوزه هویت هستند، در خارج از کشور زندگی می‌کنند و یا به دلیل رفت و آمد به خارج از کشور، با موضوع آشنایی کامل دارند و از تخصص‌های متفاوت (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی، بررسی تطبیقی هویت و مطالعات شرق‌شناسانه) درباره موضوع برخوردارند، مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. مصاحبه‌ها به روش مصاحبه نیمه‌ساخت یافته و مصاحبه تلفنی، در زمستان سال ۱۳۸۸ اجرا شده‌اند. هم‌چنین تنوع جغرافیایی و تنوع تخصص در موضوع هویت در انتخاب متخصصان مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که متخصصانی از کشورهای استرالیا، کانادا، آمریکا و انگلیس با تخصص‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی هویت و جامعه‌شناسی مهاجرین و هویت مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. مصاحبه با متخصصان ایرانی خارج از کشور به دلیل آنکه رفتار و هویت «نسل دوم» را در همان زمینه و بستری که اتفاق افتاده (فضای جامعه میزبان) و از نگاه افراد بومی (متخصصان خارج از کشور) مورد مطالعه قرار می‌دهد، مناسب‌ترین روش برای اجرای پژوهش حاضر است. هم‌چنین در این پژوهش، از روش «نمونه‌گیری نظری» استفاده شده است. در این روش، انتخاب اندازه نمونه هنگامی پایان می‌یابد که «اشباع نظری» یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود؛ یعنی چیز جدیدی به دست نیاید (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۰). لذا در این پژوهش، پس از اجرای پانزده مصاحبه، زمانی که مشخص شد ابعاد جدیدی به دست نمی‌آید و تحقیق به اشباع نظری دست یافته است، اجرای مصاحبه‌ها متوقف شد. به منظور انتخاب افراد نمونه پژوهش، از روش «گلوله برفی با حداکثر تنوع»^۱ استفاده شد؛ به این ترتیب که از استادان خواسته می‌شد متخصصانی را در حوزه هویت

1. Maximal Variation

معرفی کنند که در نقاط جغرافیایی دیگری حضور دارند یا در یک بُعد خاص از هویت، متخصص هستند. پراکنش نمونه این امکان را فراهم می‌آورد که اندیشه متخصصان در حوزه‌های مختلف هویت و در نقاط جغرافیایی مختلف آشکار شود.

اهداف تحقیق

هدف پژوهش حاضر، شناخت هویت نسل دوم مهاجرین ایرانی خارج از کشور (با توجه به رویکرد ترکیبی - تک بعدی بودن) و ابعاد هویتی آنان (زبان فارسی، تعلق جغرافیایی، تعلق تاریخی، ابعاد فرهنگی، هنجارها و ارزش‌ها و تعلق دینی) می‌باشد. هم‌چنین شناخت هویت نسل دوم، با توجه به تداوم تکوین هویت آنان در جامعه میزبان، از دیگر اهداف پژوهش حاضر است.

تعاریف مفاهیم

هویت: در رویکرد این تحقیق، هویت برساخته‌ای اجتماعی است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۶)، در تمایز و تعلق و عضویت‌های فرد شکل می‌گیرد، خصوصیتی سیال و باز دارد که پیوسته و به طور مداوم در حال تغییر است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۵-۱۱۹)، انحصاری هیچ جریان خاصی نیست (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۴۶-۱۴۳)، بازاندیش و انتخابگر است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۸) و عضویت‌های همزمان در انواع گروه‌های هویتی، موجب ترکیب و پدید آمدن هویت‌های اجتماعی چند وجهی (شایگان، ۱۳۸۰: ۱۵۰-۱۳۳) می‌شود. هم‌چنین زبان فارسی، مکان و تعلق جغرافیایی، تعلق تاریخی، هنجارهای فرهنگی و دین به عنوان ابعاد هویت نسل دوم مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این خصوص، جامعه‌شناسان بر این واقعیت تأکید دارند که هویت به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، هر چند هویت افراد در نگرش‌ها و احساسات آنان نمود می‌یابد، زمینه و بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است و هویت اجتماعی نمود یافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی سایر افراد معنایی ندارد. هویت افراد به صورت اجتماعی به واسطه مراحل مختلف اجتماعی شدن و در کنش ساخته می‌شود.

هویت تعبیری است که فرد از خود در ارتباط با دیگران دارد و بر اساس تعلق و عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت، وابسته به برداشت و شناسایی دیگران است و شناسایی دیگران، لازمه تثبیت هویت می‌باشد. در

معنای هویت، تشابه و تمایز نقش اساسی دارد و هویت هیچ‌گاه ایستا نیست و مدام در معرض تغییر، تحول و بازنگری است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۵).

نسل دوم مهاجر

نسل اول مهاجران: این نسل شامل کسانی است که پس از طی دوران جامعه‌پذیری، به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند.

نسل یک و نیم مهاجران: این مفهوم به نسبت کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل کودکانی است که در اوایل دوره نوجوانی، به کشور دیگری مهاجرت می‌کنند. این افراد تا اندازه‌ای ویژگی‌های شخصیتی کشور مبدأ را در خود پذیرفته‌اند اما اجتماعی شدن را در کشور میزبان ادامه می‌دهند.

نسل دوم مهاجران: شامل کسانی است که حداقل یکی از والدین آنها، مهاجر نسل اول ایرانی محسوب می‌شود و خود یا در کشور میزبان متولد شده‌اند یا در اوایل کودکی (قبل از ۵ سالگی و شروع جامعه‌پذیری به تعبیر اریکسون) به کشور میزبان وارد شده‌اند. این افراد محدودیت سنی ندارند و می‌توانند هم اکنون در دوره‌های سنی متفاوتی باشند (مهدی، ۱۹۹۸: ۸۰ به نقل از: پُرتس، ۱۹۹۶: ۶۴۱).

یافته‌های پژوهش

۱. آگاهی از زبان فارسی (صحبت کردن، خواندن و نوشتن) و هویت نسل دوم مهاجران یافته‌های پژوهش درخصوص زبان در نسل دوم مهاجران نشان می‌دهد، تعداد زیادی از افراد این نسل می‌توانند به زبان فارسی صحبت کنند. البته میزان دانش لغوی در میان آنها بسیار متفاوت است. درحالی‌که برخی فارسی را به طور کامل صحبت می‌کنند، برخی دیگر تنها با لغات محاوره‌ای آشنایی دارند. البته بیشتر افراد این نسل، فارسی را با لهجه صحبت می‌کنند و بنابر نظر یکی از متخصصان، به «فارسی ماهواره‌ای» تسلط دارند. اعضای این نسل، توانایی درک لغات پیچیده را ندارند و به عبارتی، نمی‌توانند مباحث اجتماعی، فرهنگی و گفتگوهای پیچیده را بفهمند. در مورد نوشتن نیز می‌توان گفت، تعداد کمی از اعضای نسل دوم می‌توانند به زبان فارسی بنویسند، هرچند تعدادی به مدرسه و یا کلاس‌های فارسی می‌روند، اما معمولاً نمی‌توانند نوشتن به زبان فارسی را یاد بگیرند؛ زیرا نوشتن فارسی برای این کودکان کاربردی نیست.

1. First - Generation Immigrants

2. One - and Half Generation Immigrants

۲. مکان، تعلق جغرافیایی و هویت نسل دوم مهاجران

در این پژوهش، تعلق به مکان، به‌عنوان یکی از عوامل سازنده هویت نسل دوم مهاجران بررسی شده است. «خانه»، جایی است که فرد ریشه‌های خود را در آن می‌جوید و می‌کوشد ارتباط خود را با آن حفظ کند. این مفهوم با به وجود آوردن مرزبندی‌ها، عامل تمایز و با پدید آوردن مرجع، عامل شباهت‌هاست و از این رو هویت افراد را شکل می‌دهد. هم‌چنین تعلق به مکان معین، به معنای پذیرش روابط اجتماعی معین است که تعلق به گروه را در فرد نشان می‌دهد و فرد بسته به تعلق مکانی، هویت خود را تعریف می‌کند.

تعلق مکانی مهاجران نسل دوم را می‌توان در دو مقوله جای داد: الف) افرادی که «خانه» خود را در جامعه میزبان می‌دانند و تمایل دارند خود را متعلق به جامعه میزبان معرفی کنند. به طوری که وقتی از اعضای این گروه پرسیده شود کجایی هستی، با تصور اینکه به دیده تبعیض به آنان نگاه شده است، مثلاً در پاسخ می‌گویند من کانادایی‌ام، اما پدر و مادرم ایرانی هستند. این افراد خود را متمایز از ایرانیان می‌دانند و الگوهای مرجع آنان در جامعه میزبان قرار دارد و خود را مشابه افراد جامعه میزبان می‌دانند. ممکن است این افراد با عناصر فرهنگی ایرانی آشنا باشند، اما ایران را خانه خود نمی‌دانند.

ب) دسته دوم که تعداد آنان کمتر است، «خانه» خود را در ترکیب ایران - جامعه میزبان می‌دانند. البته این گروه، بیشتر در گروه سنی بالای ۱۸ سال قرار دارند و در تداوم فرایند هویت‌یابی، هویتی ترکیبی کسب می‌کنند. این گروه تا حدی خود را از افراد جامعه میزبان متمایز می‌دانند و شباهت‌هایی را با ایرانیان برای خود به رسمیت می‌شناسند و روابط اجتماعی بیشتری با ایرانیان دارند.

افراد گروه اول، گروه‌های مرجع و هویت‌یابی خود را تنها در جامعه میزبان می‌جویند و چون بین خود و جامعه ایران شباهتی نمی‌یابند، خود را از ایران متمایز می‌سازند. اما دسته دوم که شباهت‌هایی را بین خود و جامعه ایران تشخیص می‌دهند، در صورت وجود گروه‌های مرجع موفق از جامعه ایران آنها را یکسره رد نمی‌کنند و روابط اجتماعی ایرانی را می‌پذیرند.

۳. تاریخ و هویت مهاجران نسل دوم

تعلق به تاریخ (زمان) یکی دیگر از عوامل سازنده هویت است؛ لذا آگاهی، تعلق تاریخی و پیگیری تحولات و مشارکت در حرکت‌های مربوط به جامعه مبدأ (آگاهی برای عمل) در این افراد مورد بررسی قرار گرفت.

۳-۱. آگاهی تاریخی

به نظر بیشتر متخصصان، مهاجران نسل دوم، از دوره‌های زمانی متفاوت تاریخ ایران آگاهی ندارند. هرچند گاهی مشاهده می‌شود افراد این نسل از نمادها یا سمبل‌های مرتبط با دوره‌های متفاوت تاریخی استفاده می‌کنند، شناختی از تاریخ و مشترکات تاریخی ایران ندارند و علامت‌های استفاده شده ایرانی، تنها نماد ایرانی بودن و ابزار تمایل هویتی آنان محسوب می‌شود.

۳-۲. تعلق تاریخی

دیدگاه‌های استادان را در خصوص ارتباط عاطفی افراد این نسل با تاریخ ایران را هم می‌توان در سه مقوله جای داد:

الف) عده‌ای از افراد این نسل ایرانی بودن خود را رد می‌کنند و علاقه‌ای به تاریخ و فرهنگ ایران ندارند چنان‌که اگر از آنان پرسیده شود، کجایی هستی، در پاسخ می‌گویند، پدر و مادرم ایرانی هستند، اما من (برای مثال کانادایی) هستم. این افراد هیچ‌گونه تعلق و یا وجه مشترکی با ایران ندارند و ایرانی بودن را تهدیدی برای خود می‌دانند.

ب) عده‌ای دیگر از افراد نسل دوم مهاجر در پاسخ به پرسش کجایی هستی، اظهار می‌کنند من پارسی هستم. نسل دوم مهاجر، اغلب در این گروه قرار می‌گیرند، خود را به ایران باستان و امپراتوری ایران منسوب می‌دانند، به گذشته ایران مفتخرند و تلاش می‌کنند با به‌کارگیری نمادهای تاریخی ایران، پارسی بودن خود را بیان کنند. این گروه افتخار می‌کنند از فرهنگ و تمدنی آمده‌اند که پشتوانه تاریخی غنی دارد.

ج) دسته سوم کسانی هستند که با اعتقاد به رعایت دموکراسی و حقوق بشر در ایران امروز، به ایران کنونی افتخار می‌کنند.

۳-۲. عمل تاریخی در میان نسل دوم مهاجران

پیگیری تحولات و مشارکت در حرکت‌های مربوط به جامعه مبدأ (عمل تاریخی) در میان نسل دوم خود به عوامل مختلفی وابسته است. دوره زمانی و شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه ایران و جامعه بین‌الملل در عمل تاریخی نسل دوم مهاجران بسیار مؤثر است. بسیاری از نوجوانان و جوانان ایرانی وقایع داخل ایران را پیگیری می‌کنند و حتی در خانواده‌هایی که علاقه‌ای به حوادث تاریخ فعلی ایران نشان نمی‌دهند، نوجوانان وقایع را دنبال می‌کنند. در مجموع می‌توان وجود انجمن‌های دانشجویی ایرانی و نمادهای تاریخی را نشانه عمل تاریخی نسل دوم مهاجران دانست.

۴. فرهنگ و هویت مهاجران نسل دوم

توجه به فرهنگ در این پژوهش از دو بعد مورد پرسش قرار گرفت: الف) توجه به هنجارها و ارزش‌های فرهنگ ایرانی ب) توجه به میراث فرهنگی (جشن‌ها و اعیاد، معماری و بناها، میراث مکتوب)

۴-۱. هنجارهای فرهنگی

نتایج مصاحبه‌ها درخصوص توجه به هنجارها و ارزش‌های فرهنگ ایرانی نشان می‌دهد، هرچند از سوی خانواده و نسل اول مهاجران، فشار زیادی برای حفظ هویت فرهنگی وجود دارد، اما در بیشتر موارد، رفتار اجتماعی نسل دوم مهاجران، متأثر از الگوی فرهنگی غرب است. این نسل در رفتارها و هنجارهای اجتماعی بیشتر از آن‌که به الگوهای ارائه شده از سوی پدر و مادر شباهت داشته باشند، مشابهت بیشتری به همسالان خود دارند. نسل دوم در خانواده‌هایی که دست‌کم پنج سال از مهاجرت آنها گذشته و قصد بازگشت به ایران را ندارند، الگوهای جامعه میزبان را بیشتر می‌پذیرند.

الگوهای فرهنگی را می‌توان در مصادیقی مانند احترام به بزرگ‌ترها و روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج بررسی کرد. درحالی‌که در ایران، احترام به پدر و مادر یکی از شاخص‌های فرهنگی است، در جامعه کانادا توجه به حقوق فردی مهم‌تر از احترام به والدین است. در این کشور موارد بسیاری مشاهده می‌شود که فرزندان به دلایل بسیار کوچکی از پدر و مادر خود به پلیس شکایت می‌کنند و آنان را به چندین ماه حبس در زندان می‌کشانند.

مسئله دیگر، پذیرش الگوی روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج است. به نظر متخصصان، روابط جنسی پیش از ازدواج در بین نسل دوم مهاجران تا حدی پذیرفته شده است. در این خصوص، بین دختران و پسران تفاوت اندکی وجود دارد و خانواده‌ها محدودیت‌های بیشتری برای دختران اعمال می‌کنند.

در مواقعی هم بین خانواده‌ها و فرزندان توافق ایجاد می‌شود. هر چند نسل دوم ایرانیان، امکان زیادی برای همسان شدن با جامعه مقصد دارند، اما معمولاً تطبیق کامل فرهنگی صورت نمی‌گیرد و ازدواج درون گروهی ایرانیان خود نشان دهنده این امر است.

۴-۲. میراث فرهنگی

نسل دوم مهاجران ایرانی تا حدی با نمادها و میراث فرهنگی آشنایی دارند، اما در این میان، غذاهای ایرانی در اولویت قرار دارد. آنان غذاهای ایرانی را دوست دارند و حتی گاهی در مهمانی‌هایی که افراد جامعه میزبان حضور دارند، ترجیح می‌دهند از غذاهای ایرانی استفاده کنند.

این گروه با ترانه‌های اصیل ایرانی هیچ‌گونه آشنایی ندارند، اما موسیقی لس‌آنجلسی ایرانی را می‌شناسند. اشعار شاعران بزرگ ایران نیز بنا به نظر بیشتر متخصصان، نزد نسل دوم ناشناخته است؛ آنها تنها اشعار مولانا و برخی از اشعار فردوسی را که هالیوود بر آنها تأکید می‌کند، می‌شناسند، اما هیچ‌گونه شناختی از شعرهای معاصر ندارند.

نسل دوم مهاجران نمادها و عکس‌های ایران را می‌شناسند و گاهی در تزئین اتاق‌های خود از نمادهای معماری ایران باستان استفاده می‌کنند اما از میان میراث فرهنگی، جشن نوروز بسیار شناخته شده و مورد اقبال است. افراد این نسل (در صورتی که در شهرهایی زندگی کنند که جشن نوروز در آنجا برگزار می‌شود) در جشن نوروز شرکت می‌کنند و حتی در بعضی از دانشگاه‌های بزرگ، این جشن را برگزار می‌کنند.

هم‌چنین استفاده از لباس ایرانی در میان اقوام مختلف مشاهده نمی‌شود اما در بعضی از کشورها همچون سوئد، به دلیل فراوانی بالای کردهای ساکن، گاهی از لباس کردی استفاده می‌شود.

۵. دین و هویت مهاجران نسل دوم

نتایج یافته‌ها در مورد هویت نسل دوم مهاجران نشان می‌دهد، هرچند مناسک، آداب و رسوم و آگاهی دینی در میان نسل دوم مهاجران بسیار کم‌رنگ شده است، اما هنوز تعلق عاطفی به دین در میان این نسل مشاهده می‌شود. البته با این ویژگی که تعلق دینی با عناصر فرهنگی جامعه میزبان بسیار ترکیب شده است.

تعلق عاطفی به دین اسلام در میان این نسل همانند دیگر عناصر هویتی فرهنگ ایرانی، به مسائل بین‌المللی بسیار وابسته است؛ به نحوی که در مقاطعی از تاریخ که رسانه‌های بین‌المللی، جامعه مسلمان را تروریست معرفی می‌کنند، افراد می‌کوشند هویت اسلامی خود را مخفی نگه دارند.

آشنایی با هویت مذهبی، علاوه بر شرایط بین‌المللی، به شدت به محیط خانواده و محیط جامعه میزبان وابسته است و خانواده‌های مذهبی تلاش بیشتری می‌کنند تا عناصر اسلامی را به فرزندان خود آموزش دهند اما در شرایطی که ارائه هویت اسلامی با فشار اجتماعی همراه شود، فرد ارزیابی منفی از عمل دینی خود خواهد داشت و رفتار دینی در او کاهش می‌یابد.

محیط اجتماعی سکولار یا وجود بازار مذهبی گوناگون نیز در نگرش دینی افراد

این نسل بسیار مؤثر است. بعضی فرهنگ‌ها خود مذاهب متعددی را عرضه می‌کنند و وجود ادیان گوناگون را پذیرا هستند اما در بعضی جوامع دیگر ارائه هر نوع نگرش و عمل دینی حتی در عرصه فردی مجازات‌هایی را در پی دارد. در مجموع می‌توان گفت هویت دینی نسل دوم مهاجران بسته به حضور در نوع جامعه میزبان متفاوت است. در بعضی شهرها تشکل‌های مذهبی، پایگاه خوبی برای هویت‌یابی دینی هستند. البته برخلاف تشکل‌های مهاجران نسل اول که رویکرد دینی و سیاسی داشتند، تشکل‌های نسل دوم بیشتر فرهنگی می‌باشند. به این ترتیب بعضی تشکل‌ها که مبلغ نوگرایی دینی هستند، تا اندازه‌ای با اقبال روبه‌رو شده‌اند. در کل می‌توان گفت، اسلام برای نسل دوم مهاجران یک عنصر ناآشناست که در خانواده، مدرسه و محیط اجتماعی کمتر وجود دارد.

۶. انطباق جنسیتی مهاجران نسل دوم

رویکرد به هویت و فرهنگ‌پذیری در میان افراد، با توجه به تغییراتی که در اثر تماس با فرهنگ جدید تجربه می‌کنند، در میان زنان و مردان متفاوت خواهد بود و تجربه زیستن در جامعه مقصد و میزبان، برای دختران و پسران، فرهنگ‌پذیری متفاوت و هویت‌های گوناگونی به ارمغان می‌آورد؛ به طوری که دختران مهاجر نسل دوم، با فرهنگ جامعه میزبان هماهنگی بیشتری پیدا می‌کنند. اما در مردان، نگرش‌های فرهنگی ایرانی هنوز وجود دارد. وجود برخی قوانین به نفع زنان، روند جامعه‌پذیری را برای دختران مهاجر نسل دوم در جامعه مقصد سرعت می‌بخشد و آنان را به فرهنگ جامعه میزبان علاقه‌مندتر می‌کند.

۷. هویت ترکیبی / تک‌بعدی در میان نسل دوم مهاجران

با در نظر گرفتن تداوم هویتی در این نسل، هویت این گروه پیوندی است که از ترکیب عناصر فرهنگی گوناگون به دست می‌آید. به عنوان نمونه براساس یافته‌ها، جمعیت نسل دوم در طول زمان هویتی ایرانی - آمریکایی، استرالیایی، کانادایی و... به دست می‌آورند که بسته به وقایع سیاسی بین‌المللی و موضع‌گیری رسانه‌ها در برابر این وقایع مدام دستخوش تغییر می‌شود. در زمانی که ایرانی بودن نوعی تهدید محسوب شود، نسل دوم مهاجران مثلاً خود را کانادایی معرفی می‌کند و هویت ایرانی خود را پنهان می‌کنند. این نسل که در گستره وسیع‌تری به لحاظ مکانی زندگی می‌کند، با فرهنگ‌های

گوناگونی روبه‌روست و مرجع‌های بی‌شماری برای رفتار در اختیار او قرار می‌گیرد. از این‌رو هویت چندپاره در او قابل مشاهده است و فرد با منابع متعددی همانند می‌شود. در میان نسل دوم هویت ایرانی - غربی غالب است و هویت اسلامی در مرحله بعد قرار می‌گیرد. افراد این نسل فارغ از اینکه چقدر مناسک را به جا می‌آورند، احساس مسلمان بودن را دارند، حتی اگر آن را مخفی نگه دارند؛ اما هویت اسلامی تحت تأثیر محیط اجتماعی جامعه میزبان، کم‌رنگ می‌شود.

از نظر این نسل، ایران (با توجه به شرایط سیاسی) گاه خودی و گاه غیرخودی است؛ اما در مجموع، هویت ایرانی مفهومی است که به آن دلبستگی و تعلق عاطفی دارند، هرچند آگاهی چندانی نسبت به آن نداشته باشند و هرچه نظر مجامع بین‌المللی نسبت به ایران منفی‌تر باشد، ایران بیشتر غیرخودی می‌شود.

البته باید اضافه کرد تعهد به ابعاد هویتی (ایرانی - غربی) یکسان نیست و نمی‌توان نوعی ترکیب برابر را در میان افراد این نسل مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

گسترش مهاجرت‌های بین‌المللی، ضرورت توجه به تأثیر آن را بر افراد و هویت فردی ایجاد می‌کند. در فرایند مهاجرت، هویت نسل دوم مهاجران، ابعاد پیچیده‌تری می‌یابد زیرا مهاجران نسل اول، ایران را درک کرده و با عناصر فرهنگی آن جامعه پذیر شده‌اند، از این رو پس از مهاجرت می‌توانند آگاهانه عناصر فرهنگی جامعه میزبان را انتخاب کنند و به ترکیب عناصر مختلف بپردازند اما نسل دوم، ارزش‌ها را در فضای متفاوتی درونی می‌کنند. این گروه، تنها اطلاعاتی محدود از ایران دریافت می‌کنند و گاهی ارزش‌هایی از فرهنگ ایران به آنان آموزش داده می‌شود؛ ارزش‌هایی که فرد، از کاربردهای آن در جامعه مقصد مطلع نیست. ضمن آنکه گاهی ارزش‌های فرهنگی مطلوب خانواده و جامعه در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند. مهاجر نسل دوم در این شرایط، آگاهانه در دو فرهنگ زیست می‌کند؛ در خانه، با فرهنگ جامعه مبدأ و در بیرون از خانه با ارزش‌های جامعه میزبان.

تحلیل یافته‌ها گویای این واقعیت است که نسل دوم مهاجران ایرانی در دوران کودکی از طریق درونی ساختن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه میزبان، تلاش می‌کند خود را با گروه همسال آن مکان همانند سازد؛ در تعلقات اجتماعی، خود را متعلق به جامعه میزبان معرفی می‌کند و در روابط اجتماعی، بر افراد آن جامعه تأکید می‌ورزد. کودکان

مهاجر نسل دوم، عموماً مطابق با انتظارات افراد آن جامعه رفتار می‌کنند و از آنجا که بر اساس ارزیابی فایده رفتار ایرانی بودن با تأیید اجتماعی همراه نیست و امنیت هستی‌شناسی را برای فرد به همراه نمی‌آورد، به الگوهای رفتاری جامعه میزبان متعهد می‌شوند.

با وجود برجستگی هویت جامعه میزبان در شاکله هویت کودکان نسل دوم، ابعادی از فرهنگ ایرانی از قبیل زبان فارسی همچنان مشاهده می‌شود؛ هرچند تعهد به الگوی فرهنگ ایرانی در این دوران بسیار اندک است. گستردگی مکانی - تاریخی مهاجر نسل دوم، تعدد و تضاد عناصر فرهنگی و ناتوانی وی از ترکیب آنها، وی را با نوعی اضطراب و چندپارگی روبه‌رو می‌کند.

طی فرایند تکوین هویت، هویت مهاجر نسل دوم در عموم موارد با تغییراتی همراه می‌شود. مهاجر نسل دوم در ۱۸-۲۰ سالگی، تعلق عاطفی بیشتری نسبت به ایران و ارزش‌های ایرانی - اسلامی احساس می‌کند، نگاهی بازاندیشانه می‌یابد و خود را تا اندازه‌ای به جامعه ایران نسبت می‌دهد و سعی می‌کند عناصر جامعه میزبان را با فرهنگ ایرانی ترکیب کند. مهاجر نسل دوم در این دوران می‌کوشد با تمایز نسبی خود از افراد جامعه میزبان، هویت یکتایی را ارائه دهد. البته فرایند تداوم، تکوین و بازاندیشی در هویت نسل دوم خود به عواملی چون نگرش جامعه میزبان به مهاجران (چندفرهنگی / تک‌فرهنگی بودن)، وقایع سیاسی بین‌المللی، والدین و دلایل مهاجرت آنان و نقش رسانه‌های گوناگون وابسته است که خود پژوهش‌های جداگانه‌ای را ایجاب می‌کند.

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۴۱)؛ *غر بزدگی*، تهران: انتشارات رواق.
- برمن، مارشال (۱۳۸۲)؛ *تجربه مدرنیته*: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)؛ *نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم*، تهران: نشر فرهنگی آینده.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)؛ *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- دوران، بهزاد، محسنی، منوچهر (۱۳۸۶)؛ «هویت؛ رویکردها و نظریه‌ها»، در *مبانی نظری هویت و بحران هویت*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، صص ۸۱-۱۴۴.
- شارع‌پور، علی (۱۳۷۹)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر شبیه‌سازی ساختاری و فرهنگی کودکان ایرانی در استرالیا»، در *مجموعه مقالات همایش گفتمان ایرانیان*، تهران: کمیل.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰)؛ *افسون زندگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیاسی*، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: فرزانه روز.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۸)؛ *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نی.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و ابراهیم حاجیبانی (۱۳۸۷)؛ «مطالعه تجربی منابع هویت ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۲، صص ۳۱-۵۳.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)؛ *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- قادری، صلاح‌الدین، صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)؛ بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان، گروه مطالعات فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- قاسمی سبانی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)؛ «تعاملات فرهنگی ایرانیان مهاجر با جوامع میزبان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۵، ش ۲، صص ۱۳۷-۱۶۰.
- کوزر، لوئیس (۱۳۶۷)؛ *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)؛ *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ----- (۱۳۸۲)؛ فراسوی چپ و راست، تهران: انتشارات علمی.
- محمدی، بیوک (۱۳۸۲)؛ *زندگی ایرانیان در کانادا*، تهران: واژه آرا.
- نصر، سید حسین (۱۳۶۱)؛ *خاطرات سید نصر*، مصاحبه با حسن ضیایی، اکتبر ۱۹۸۲، ماساچوست.
- نودزی، حسینعلی (۱۳۸۵)؛ «نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانه هویت سنتی، مدرن و پست‌مدرن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۷، ش ۲، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- Adibi, Hossein (2003); "Identity and cultural change: the case of Iranian Youth In Australia", paper presented to *the social change in the 21 century conference*, Queensland university of technology.
- Alba, Richard (1985); *Italian American: Into the Twilight of Ethnicity*, Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Howard, Judith (2000); "Social Psychology of Identity", *Annual Review of Sociology*, Vol 26, PP 367-393.



- Mahdi, Aliakbar (1998); "Ethnic Identity among Second-generating, Iranian in the United States", *Iranian Studies*, Vol 31, No 1, PP 77-95.
- Portes, Alejandro and Richard schaufler (1996); "Language and Second Generation: Bilingualism Yesterday and Today", *International Migration Review*, Vol. 28, No. 4, Special Issue: The New Second Generation. (Winter, 1994), PP 640-661.

Archive of SID